

علی دهباشی | در میان نوشته های به نسبت اندک اما ارزشمند درباره دکتر فیاض، سخنرانی ای که زنده یاد دکتر غلامحسین یوسفی در هشتم شهریور سال ۱۳۵۰ درباره ایشان ایراد کردند، جایگاهی ویژه دارد. من به یاد هر دو زنده یاد، به بخش هایی از آن سخنرانی اشاره می‌کنم.

دکتر یوسفی در آغاز سخنان خود می‌فرمایند:

« سخن گفتن از مقام علمی و وفور فضل شادروان دکتر علی اکبر فیاض دشوار است؛ خاصه آنکه از یک سواندوه درگذشت وی، پس از مرگ پیاپی دیگر بزرگان ادب، گلوی آدمی را می‌فشارد و راه سخن را می‌بندد، و از سوی دیگر، نشان دادن گوشه ای از دانش و فرهنگ وسیع او در مجالی اندک و با کلماتی شکسته و غم زده، نارسایی و کوتاهی به همراه می‌آورد. با این همه، شاید بتوان نکاتی از آنچه در طی سالیان برخوردار از محضر آن استاد دریافتیم، بازگفت. »

دکتر فیاض از زمره کسانی بود که در آنان طلب معرفت، عشق به دانستن، کنجکاوی و آگاهی از حقایق، به صورتی عاشقانه و پایدار جلوه‌گر بود و این عطش دانش در سراسر عمر او روزافزون می‌نمود. از جوانی، این خواهش اصیل و ریشه دار را در وجود خود کشف کرد و در صدد پاسخگویی به آن برآمد؛ چنان که عمر به نسبت طولانی او که سراسر به آموختن و مطالعه و تحقیق سپری شد، تجلی کوشش در همین راه بود.

مصاحبت با دکتر فیاض و آشنایی با فرهنگ غنی او، به تدریج انسان را متوجه وسعت تتبع و مطالعات گسترده اش می‌کرد؛ به ویژه آنکه او در روزگاری قدم در راه دانش نهاد که وسایل علمی و منابع از هر جهت اندک و دسترسی به آن هادشوار بود.

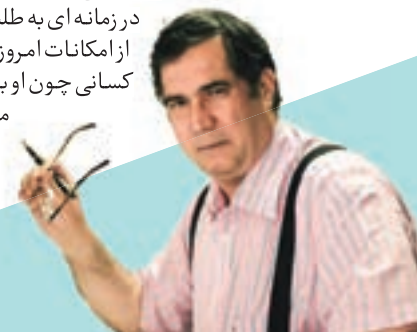
از این منظر، کوشش کسانی چون دکتر فیاض، به تعبیر شادروان استاد بهمنیار، نوعی مجاهده بود؛ مجاهدتی که دشواری اش برای نسل امروز کمتر قابل تصور است. شگفت آنکه وی در همه رشته ها کتاب ها و مآخذ معتبر را با دقت بسیار خوانده بود و چنان احاطه ای داشت که اهل فن نیز از وسعت دایره تتبعات او در شگفت می‌مانند. دکتر فیاض زود دریافت که پاسخ به پرسش هایی که ذهن پرسشگرش را می‌آشفته، تنها از مسیر زبان و ادبیات فارسی و عربی (که در هر دو استاد بود) حاصل نمی‌شود. از این رو به آموختن زبان های اروپایی پرداخت. آن هم در زمانی که در محیط زندگی اش کتاب و استاد آگاه در این زمینه اندک و بلکه نایاب بود؛ چنان که اشتغال به این امور در کسوتی که او داشت، امری خلاف عادت می‌نمود. با این همه، وی از پای ننشست و به تدریج پیش رفت تا کامیاب شد. زبان و ادبیات فرانسوی را نیک آموخت و از زبان های روسی، انگلیسی، آلمانی و لاتینی نیز در پژوهش های خود بهره می‌جست.

حتی در تهران، حضور کیشی فاضل را مغتنم شمرد و زبان یونانی کهن را نزد او فرا گرفت. بنا به نوشته آقای پارسا تویسرکانی، در سال های پایانی حیات خویش نیز به آموختن زبان چینی روی آورده بود.

بی سبب نبود که وقتی با او به گفت و گو می‌نشستید، درمی‌یافتید که نه تنها بزرگان ادب و فرهنگ غرب را به خوبی می‌شناخت و آثارشان را با دقت از نظر گذرانده بود، بلکه می‌توانست از تازه ترین دستاوردهای ادبی کشورهای گوناگون سخن بگوید و نویسندگان برجسته معاصر را معرفی کند؛ حتی به عنوان مثال، برایتان توضیح دهد که در همان سال ها چه کسانی در زمینه رمان های پلیسی در اروپا درخشیده اند و آثارشان شایان توجه است.

او در فرهنگ اسلامی اندوخته ای فراوان اندوخت و در علوم شرعی به مرتبه عالی معرفت رسید، اما به پژوهش در فنون جدید نیز پرداخت و در نهایت به درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی نائل شد. این روح یادگیرنده، همواره پویا بود و هرگز از آموختن باز نایستاد. البته بسیار کسان را می‌توان یافت که بر مطالعه اند و محفوظات و معلومات فراوان دارند. در نسل دکتر فیاض نیز چنین فضایی بودند. لیکن آنچه در وی برجستگی خاص داشت و او را از دیگران ممتاز می‌کرد، ذوق و قریحه انتقادی اش بود.

استاد فیاض از جمله کسانی بود که اندیشه ای مستقل و ذهنی بیدار داشت. هر چیز را به محک دانش و خرد می‌سنجید و آن‌گاه می‌پذیرفت یا رد می‌کرد. هیچ‌گاه صرف آنکه مطلبی در کتابی آمده یا از زبان شخصی مشهور نقل شده باشد، او را به پذیرش بی‌چون و چرای آن وادار نمی‌کرد. مصاحبت و گفت و گو با دکتر فیاض و آشنایی با گستره فکر و مطالعات او به تدریج آدمی را متوجه می‌ساخت که وسعت کارش تا چه اندازه است و احاطه اش بر منابع مختلف چگونه مایه حیرت می‌شود. بار دیگر باید یاد آور شد که وی در زمانه ای به طلب علم برخاست که بسیاری از امکانات امروز در دسترس نبود و کوشش کسانی چون او به گفته استاد بهمنیار نوعی مجاهده علمی بود.



نگاهی به بینش و منش بنیان‌گذار دانشکده ادبیات و الهیات
مشهد و مصحح تاریخ بیهقی، دکتر سید علی اکبر فیاض

چشمه فیاض

می‌آورد. استاد علی اکبر فیاض (۱۳۵۰-۱۲۷۷ خورشیدی) از جمله همین مردان نامدار است که نامش با تاریخ بیهقی در تاریخ فرهنگ ایران درآمیخته است و دریغاً که عمرش اجازه نداد تا حاصل کوشش خود در تصحیح آن را به چشم ببیند.

امید حسینی‌نژاد
روزنامه‌نگار



تازبان عشق دارم در دهان فیاض وار
سرخط کرداری سازندگفتار مرا

تجلیل از بزرگان علم و ادب، نه فقط یادآوری نامی از گذشته است، بلکه برپا داشتن پرچم روشنایی در روزگاری است که غبار فراموشی بر چهره خاطره ها می‌نشیند. هر بزرگداشت، درحقیقت، پیمانی تازه با خرد و فرهنگ است؛ بازخوانی لحظه هایی که انسان از میان خاموشی خاک برمی‌خیزد و به نور معرفت پیوند می‌خورد. بزرگان را نمی‌توان تنها به سال های عمرشان سنجید. چرا که زمان آنان در تقویم ها خلاصه نمی‌شود. آنان فرزندان دوام و استمرارند، زنده در حافظه اندیشه و در بیکر فرهنگ یک ملت. یاد چنین کسان که در ساحت علم و ادب چون ستاره ای در شب تاریخ درخشیدند، ما را به تأمل و تواضع می‌خواند. زیرا نام آن ها تجلی شرافت انسانی در قالب دانش و راستی است. هرگاه از آنان سخن می‌گوییم، درحقیقت با خود دانایی پیمان وفاداری می‌بندیم تا چراغ دانش از فروغ نامشان فرو نماند. در میان این قافله روشنی داران، نام استادانی چون دکتر علی اکبر فیاض نماد پیوند فضل و ایمان است. او از سرزمین خورشیدبرخاست و عمر خویش را به بسط افق های معرفت در خراسان و ایران سپرد. یاد چنین انسان هایی، نسیمی وطن دوست است که هر بار وزیدنش، غبار عادت را از دل ها می‌شوید و ذهن را به ساحت حقیقت و پژوهش فرامی‌خواند. تجلیل از اینان، تجلیل از خود روح خرد و ایمان است. زیرا در زیستنشان، قامت علم برافراشته و اعتبار فرهنگ، ماندگار شده است.

نزدیک به سه دهه از روزگار خویش را یکسره وقف پژوهش بر تاریخ بیهقی کرد. اما اندکی پیش از آنکه ثمره آن زحمات به چاپ و انتشار رسد، دیده از جهان فروبست. با وجود آن، نام او در سایه همان اثر ماندگار زنده مانده و عنوان تاریخ بیهقی همچنان یاد و اعتبارش را نگاه داشته است.

بارها در تاریخ علم و ادب دیده شده است که شماری از بزرگان فرهنگ و هنر، با وجود آثار و فعالیت های گوناگون در طول حیاتشان، نامشان با یکی از آثارشان گره خورده است؛ چنان که یاد اثر صاحب اثر را در ذهن زنده می‌کند و ذکر نام مؤلف، آن نوشته را به خاطر

● از حوزه تادانشگاه

استاد علی اکبر فیاض، با نام کامل خانوادگی مجیدی فیاض، از فرزندان خراسان ادب و اندیشه بود. در سال ۱۲۷۷ خورشیدی در شهر مشهد زاده شد و از آغاز کودکی زیر نظر پدرش، سید عبدالمجید ثقة الاسلام، خادم باشی کشیک اول آستان قدس رضوی، به آموختن قرآن و مقدمات زبان عربی پرداخت. چونان فرزندان از خاندان های دانش دوست، فیاض نیز از همان آغاز با شیفتگی به دانش رویه رشد نهاد و سپس علوم دینی را فرا گرفت. در حوزه ادبیات از محضر استادان نامدار چون ادیب نیشابوری اول و ملک الشعرا بهار بهره برد و پایه های دانسته های زبانی و ادبی خود را استوار ساخت.

فیاض پس از آن به تدریس در دبیرستان شاه رضا پرداخت و در سال ۱۳۱۴ با تأسیس دانش سرای مقدماتی مشهد، ریاست آن را به عهده گرفت. او که تحصیلات حوزوی داشت، اندکی بعد رهسپار تهران شد و پس از فراغت از دانش سرای عالی، در سال ۱۳۲۲ موفق به اخذ درجه دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گردید. سپس در جایگاه استاد درس «ملل و نحل»، در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران مشغول آموزش و تحقیق شد.

اقامت در تهران برای فیاض فرصت معاشرت و همکاری با چهره های برجسته ادبی و فرهنگی عصر را فراهم ساخت. عصرهای پنجشنبه محفلی از فضیلت و دانش در خانه علامه محمد قزوینی برپا می‌شد که در آن دانشورانی چون محمد تقی مدرس رضوی، عباس اقبال آشتیانی، بدیع الزمان فروزانفر، سعید نفیسی، قاسم غنی، مرتضی مدرس چهاردهی، محمد معین و شایگان حضور می‌یافتند. این نشست ها حول محور تاریخ و ادب ایران می‌چرخید و فیاض نیز یکی از ارواح فعال آن جمع بود؛ بزرگ مردی آرام که از زرفای دانسته های خود به گفت و گوها روشنی می‌داد.

● همراهی با دکتر غنی

اقامت در تهران همچنین به گسترش همکاری فیاض با روان شاد دکتر قاسم غنی، مصحح دیوان حافظ، انجامید. حاصل این همراهی تصحیح مشترک تاریخ بیهقی بود که در سال ۱۳۲۴ به چاپ رسید و از آن پس